

بچه‌های قرن پانزدهم

ماجرای شکل‌گیری طرح خدمت‌رسانی به مناطق محروم
بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

www.ketab.ir



مؤسسه تاریخ شفاهی
روایت

سرشناسه	مراسلی، محمدصادق، ۱۳۷۴-
عنوان و نام پدیدآور	: بچه‌های قرن پانزدهم : ماجرای شکل‌گیری طرح خدمت‌رسانی به مناطق محروم بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران / مصاحبه محمدصادق مراسلی، فرناز ایزدین، تدوین امیرامیری‌فر؛ ویراستار محمد جمشیدی‌منش ؛ [تهیه‌کننده] موسسه تاریخ شفاهی روایت.
مشخصات نشر	: تهران: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۹ ص: ۱۴/۵/۲۱×۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸۰۸-۰۰-۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
عنوان دیگر	ماجرای شکل‌گیری طرح خدمت‌رسانی به مناطق محروم بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران.
موضوع	: دانشگاه تهران. بسیج دانشجویی
موضوع	: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران. بسیج دانشجویی
موضوع	: دانشجویان -- ایران -- فعالیت‌های فوق برنامه
موضوع	: College student activities -- Iran
موضوع	: جهاد -- جنبه‌های اجتماعی -- ایران
موضوع	: Jihad -- Social aspects -- Iran
موضوع	: عمران روستایی -- ایران -- طرح‌ها -- مشارکت شهروندان
موضوع	: Rural development projects -- Iran -- Citizen participation
موضوع	: عمران منطقه‌ای -- ایران -- مشارکت شهروندان
موضوع	: Regional planning -- Citizen participation -- Iran
موضوع	: بسیج -- ایران
موضوع	: Mobilization -- Iran*
شناسه افزوده	: ایزدین، فرناز، ۱۳۶۷-، مصاحبه‌گر
شناسه افزوده	: امیری‌فر، امیر، ۱۳۶۶-
شناسه افزوده	: مرکز پژوهشی آموزشی کوثر
شناسه افزوده	: موسسه تاریخ شفاهی روایت
رده بندی کنگره	LB۲۲۳۰:
رده بندی دیویی	۳۷۸/۳۰۹۵۵:
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۰۵۰۹۵:
وضعیت رکورد	: فیبیا



مؤسسه تاریخ شفاهی
روایت

بچه های قرن پازدهم

ماجرای شکل گیری طرح خدمت رسانی به مناطق محروم بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران

مصاحبه: محمد صادق مراسلی، فرناز ایزدیین

تدوین: امیرامیری فر

ویراستار: محمد جمشیدی منش

طراحی جلد: استودیو گرافیک شهر

صفحه آرا: امیر نیکبخت

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

ناشر: مرکز آموزشی پژوهشی کوثر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸۰۸-۰-۰

قیمت: ۴۷۰۰۰۰ ریال

وب سایت: www.ravayat.org

ایمیل: ravayat.org@gmail.com

*توضیح تصویر روی جلد: تصویر فعالیت گروه آموزش در پنجمین طرح خدمت رسانی به مناطق محروم بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران - دیسموک - سال ۱۳۸۶

فهرست مطالب

۸	 مقدمه
۱۳	 دانشگاه تهران؛ یک روایت زنانه
۲۵	 بچه‌های جنگ در سفر شمال
۳۹	 دیدار نزدیک با خانواده خدا
۵۹	 دیگر آن آدم سابق نمی‌شوی!
۶۹	 روزهای پس از بلده
۸۱	 جایی نزدیک آخر دنیا
۹۷	 تجربه‌ها
۱۳۷	 قصه‌ها
۱۶۹	 طرح کلی یک روایا
۱۸۵	 پیوست

مقدمه

نوشتن مقدمه به سان یک روایت کوتاه است از یک شرح بزرگ! این کار برای یک کتاب آن طور که از تجربه‌ها برمی‌آید کاری سخت‌تر از نگارش متن اصلی است؛ علی‌الخصوص که متن اصلی، خود مجتمعی از روایت‌هاست و روایت بر روایت‌ها، دشوار!

پس بدون مقدمه، در چرایی نگارش این کتاب دو دلیل عمده وجود دارد: اول خلق معنا، ولو به بضاعت ناچیز از «روایت بهشترفت» در دل یکی از کلان‌پروژه‌های نهادی جمهوری اسلامی و دوم ثبت تجربه و روایت ارزنده گسترش و نضج دوباره «جهاد» در کشور پس از یک وقفه نسبتاً طولانی.

کتاب سعی کرده است با پی‌رنگ «شروع به فعالیت با دست‌های خالی»، چگونگی تاسیس و گسترش این «معنا» را به صورت غیرمستقیم به مخاطب نشان دهد. این که چه میزان در این امر موفق بوده است، موردی است که باید در بیان خواننده به جستجوی آن پرداخت؛ اما برای درک بهتر فضایی که کتاب در بستر آن روایتگری می‌کند توجه به ۲ نکته اساسی ضروری می‌نماید:

اول، دقت نظر در صبغه و سابقه مفهوم «جهاد» در کشور که با اندک محصورات ارزنده اما غنی و پرمغزش به طور مشخص به تولد، شکل‌گیری، اضمحلال و مرگ «جهاد سازندگی» در کشور می‌پردازد و دوم توجه ویژه به اتمسفر به شدت

سیاست زده پس از سال ۷۶ در کشور که مجال را برای هر فعالیت ایجابی سخت و دشوار می نمود.

این دو نکته اساسی در غیاب سامان دهی به فعالیت های مرسوم «داوطلبانه» و «خیریه ای» در کشور، راهبردی جدید را برای احیای مجدد «جهاد» این بار در خاستگاهی متفاوت یعنی «بسیج» پیش روی نظام جمهوری اسلامی قرار داد:

«بسیج یک نعمت بزرگ است که امروز در اختیار ما است. اگر از این نعمت خوب استفاده نشود کفران شده است. هر نعمتی که کفران بشود، خدای متعال آن کفران کننده را مجازات خواهد کرد و اولین مجازات این است که از آن نعمت محروم می کند. یک چیز دیگری به ذهن من آمد که گفتیم آقای حجازی و آقای سعیدی کیا شاید بتوانند آن کار را راه بیندازند. نمی دانم حالا به کجا رسیده؟ «طرح بسیج سازندگی». یعنی این سه ماه تابستان که بچه ها بیکارند، عده ای بعد از تابستان هم بیکارند. پشت کنکوری ها و...؛ این ها را سازماندهی کنید. سازماندهی اش با شما، سازماندهی و اعزام با شما، شناسایی های قبلی با جهاد سازندگی و دفتر مناطق محروم ریاست جمهوری و بقیه جاها. بودجه هم با دولت؛ پول بگذارند بروند روستاهای فراوانی را پیش بینی کنند. بروند در این روستاها؛ این جا مسجد ندارند، این جا غسالخانه ندارند، این جا جاده ندارند، این جا مرزعه چهار تا خانواده درو نشده است و...؛ مثل کارهایی که اول انقلاب می کردند...» *

قصه کتاب، روایت یکی از همین «سازمان دهی» هاست که به طرز عجیب شکل گرفت و البته پیشرو و نمونه سایر حرکت های مشابه خود گشت.

«بچه های قرن پانزدهم»، همان طور که در متن نیز بدان اشاره می گردد، دفتر اول از پروژه «تاریخ شفاهی کانون خدمت رسانی به مستضعفین بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران» است که در «موسسه تاریخ شفاهی روایت» شکل گرفت و به انجام رسید. زمستان سال ۹۸، اندکی پس از شهادت مردی که نامش به جهاد، معنا و اعتبار می بخشید، در صحبتی که با آقای محمدصادق مراسلی (پژوهشگرو

* بیانات رهبری در دیدار با فرماندهان بسیج و سپاه (۱۳۷۹/۰۲/۱۷).

مدیر پروژه حاضر) داشتم، پیشنهاد نگارش و تدوین مصاحبه‌های انجام گرفته را به من داد. شناخت نزدیکی که از ماجرای شکل‌گیری کانون داشتم و زیست تقریباً ده ساله با افراد مختلف آن در سال‌های پس از روایت مربوط به این کتاب، باعث شد برای این امر مجاب شوم. روایت کردن و استخراج نکته‌ها از دل تاریخ، آن‌طور که از تجربه‌ها برمی‌آید، کار دشواری است؛ اما کنار هم چیدن روایت‌ها و بیرون کشیدن سیر یک حرکت از پیوستار در هم تنیده زمان و مکان که افراد متفاوتی راوی آن هستند کاری بس دشوارتر!

شیوه تدوین کتاب از میان چند سبک که پیش‌تر بچه‌های موسسه روایت آن‌ها را بررسی کرده بودند انتخاب شد. آن‌طور که نقل می‌کنند: «بیشتر کتاب‌های موجود در زمینه تاریخ شفاهی به شیوه‌های پرسش و پاسخ، روایت اول شخص و یا دانای کل نگارش شده است. هر کدام از این شیوه‌ها مسائل مربوط به خود را دارد. ما می‌خواهیم سیر رشد افراد شرکت‌کننده در طرح و فعالیت‌هایی که در مناطق محروم انجام داده‌اند مشخص شود که این مهم جز با توجه به روایت همه افراد و نظرات مختلف ممکن نبود». در نهایت بنا بر این شد که کتاب از دید «دانای کل» نگارش شود و روایت‌های افراد از موضوعات در بستر روایت راوی اصلی آورده شود. کتاب ۱۷ راوی دارد که همگی در مقطع زمانی سال‌های بین ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ (یعنی بازه زمانی شکل‌گیری کانون) دانشجوی دانشگاه تهران و یا دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده‌اند. تنی چند از دانشجوهای سابق نیز به دلیل مشغله‌های کاری و شخصی یا دوری دسترسی، امکان مصاحبه و بیان روایت‌های‌شان را نداشتند، اما بیان افراد حاضر تقریباً تمامی زوایای پنهان این حرکت را به تصویر می‌کشد. در میان افراد ذکر شده، باید به نام «طاهره کباری» که یکی از ۱۷ روایت‌گر اصلی این کتاب است و چندی پس از اتمام مصاحبه‌ها به دلیل بیماری، چهره در نقاب خاک کشید، اشاره نمود که با بزرگواری تمام، برای افراد مصاحبه‌کننده وقت می‌گذاشت و به دقت به سوالات آنان پاسخ می‌گفت.

فراز و فرودهای کانون از سال‌های پس از ۸۴ تا کنون، که دوران تثبیت کانون خدمت‌رسانی و گسترش فعالیت‌های خدماتی آن بوده است در مجلدات بعدی

به زیور طبع آراسته خواهد شد، اما در همان بازه ۳ ساله ذکر این نکته حائز اهمیت است که در روایت این دوران، الزاما با یک سیر خطی در زمان مواجه نیستیم. اتفاقا آنچه که بر جذابیت متن و خوانش آن می افزاید، گره زدن پدیده ها و اتفاقاتی بود که الزاما تقدم و تاخر زمانی نداشتند اما می توانستند از حیث موضوع به هم مرتبط و متصل باشند.

همچنین در متن کتاب سعی شده است عین متن روایت ها تا جایی که ممکن است بدون حذف یا تقطیع بازنمایی گردد. همچنین اسامی راویان با مسئولیتی که در طرح خدمت رسانی داشتند در ابتدای هر فصل آورده شده است.

این کتاب آن طور که مشاهده خواهید کرد می تواند یکی از اولین تجربه های روایت شکل گیری و گسترش یک حرکت جهادی دانشجویی باشد و از آن مهم تر، می تواند الهام بخش خوبی برای شروع یک حرکت با دستان خالی و عزم راسخ باشد. تلاش ما در این کتاب بر این بود که روایت صادقانه ای از اتفاقاتی که در آن سال ها به وقوع پیوسته بود و برخوردی که دانشجویان با مردم عزیز منطقه «بلده» و «بازفت» داشتند و به طور کلی وضعیت منطقه در آن سال ها و اقله اماتی که در آن سال ها انجام شده است، ارائه شود. بی شک این سیاهه تصویر کاملی از آن چه در آن سال ها اتفاق افتاده است نیست، اما تلاشی است در جهت روشن شدن مسیر اردوهای جهادی. راهی که طی کرده ایم و مسیری که در پیش روی مان وجود دارد.

در پایان لازم است از جناب آقای محمدصادق مراسلی و سرکار خانم فرناز ایزدبین که زحمت انجام مصاحبه ها و تنظیم آنها را کشیدند و در زمان تدوین همیاری و مشارکت ارزنده ای برای ارتقای کیفیت متن کتاب داشتند، همچنین جناب آقای مرتضی فتح الله زاده مدیر موسسه روایت که جسارت ورود به روایتگری در عرصه حرکت های جهادی را پذیرفتند؛ تشکر به عمل آورم.